

## دیپلماسی علمی اسرائیل و بحران مشروعیت

فریبا علی کرمی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۱

محمد تقی شریعتی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۰۳

### چکیده

۶۷

با شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، این رژیم همواره با تهدید هویتی و موجودیتی روبه‌رو بود. به همین دلیل، از راه‌های سیاسی و نظامی سعی در حل این بحران‌ها نمود، اما با گذشت حدود شش دهه از شکل‌گیری آن، نه تنها به موفقیتی دست نیافت، بلکه از درون جامعه خود، دچار بحران مشروعیت نیز شد و به تدریج جریانی انتقادگرا در اسرائیل رشد کرد که تردید و تشکیک در اصول و اهداف صهیونیسم را وجه همت خود قرار داد. این جریان که پساصهیونیسم هم نامیده می‌شود، به دنبال این بود تا مشکلات مشروعیتی و هویتی رژیم صهیونیستی را در میان اعراب و جهانیان و همچنین خود یهودیان رفع کند و چهره آن را نزد افکار عمومی و همسایگان ترمیم سازد. هدف این نوشتار پاسخ به این سوال است که رژیم صهیونیستی با توجه به انتقادهایی که از مبانی فکری صهیونیسم در قرن ۲۱ به وجود آمد، چه راه‌کارهایی را برای خروج از چالش‌های مشروعیتی و هویتی خویش مدنظر قرار داده است؟ نویسنده برای پاسخ به آن، در پی اثبات این فرضیه است که از سال ۲۰۰۰ به بعد، رژیم صهیونیستی برای ترمیم چهره خود به خصوص در میان اعراب و منطقه خاورمیانه و تامین مشروعیت و امنیت موجودیت خود رو به دیپلماسی علمی آورد که از راه‌کارهای آن، آرایه بورس‌های تحصیلی به اعراب، برگزاری سمینارها و همایش‌های مشترک با دانشمندان عرب، آرایه خدمات پزشکی و آموزشی در خاورمیانه بوده است.

واژگان کلیدی: فلسطین، دیپلماسی علمی، بورسیه‌های تحصیلی، مشروعیت، هویت

\* محقق سیاست بین‌الملل و دانش‌آموخته دانشگاه تهران

\*\* پژوهشگر در مطالعات منطقه‌ای و موضوع اسرائیل، دانش‌آموخته دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال پانزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۳، صص ۹۲-۶۷.

رژیم صهیونیستی اسرائیل از بدو شکل‌گیری خود و به دنبال اشغال سرزمین فلسطین دچار بحران‌های مشروعیت و هویت و موجودیت بود. با گذشت زمان و عدم دستیابی به صلح با اعراب و شکل‌گیری جنگ‌هایی میان رژیم صهیونیستی و اعراب و همچنین کشته شدن و آوارگی فلسطینی‌ها، چهره اسرائیل نه تنها میان اعراب، بلکه نزد افکار عمومی جهان، منفور گردید و این در شرایطی بود که اسرائیل در داخل نیز دچار بحران‌های بسیاری بود؛ از جمله تبعیض میان شهروندان عرب و غیرعرب خود اسرائیل، نابرابری قومی و مذهبی میان شهروندان و وضع اقتصادی آنها و همچنین تفاوت نگاه و دیدگاه‌های نسل جدید مهاجران یهودی، باعث بروز خشونت و مخالفت‌هایی با رژیم صهیونیستی شد. همچنین معضلات آب و کشاورزی و جنگ‌های مرزی با همسایگان، مشروعیت اسرائیل را بیش از پیش خدشه‌دار ساخت. در این شرایط، گروهی از یهودیان بر آن شدند تا چهره اسرائیل را در نزد جهانیان و اعراب بهبود بخشند. این جریان که اغلب از آنها به عنوان پساصهیونیسم یاد می‌شود، از مبانی و عملکردهای صهیونیسم انتقاد و در عصر جهانی شدن و اهمیت دیپلماسی عمومی، بحث‌های مذاکرات، افکار عمومی و همکاری و غیره را مطرح کردند. این جریان که به تدریج در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی نفوذ پیدا کردند، علاوه بر ابزار قدرت مادی و راه‌های رسمی مذاکره و ارتباط با کشورهای به خصوص اعراب، سعی در استفاده از دیگر ابزار قدرت نرم نمودند؛ از ابزار قدرت نرم، دیپلماسی عمومی است که در آن، کشورها در عصری که فن‌آوری و ارتباطات، مرزها را نفوذپذیر ساخته، در کنار ارتباط با سران دولت‌ها، افکار و فرهنگ‌های جوامع را تحت تاثیر قرار می‌دهند. این دیپلماسی به خصوص برای ارتباط جوامعی که از نظر رسمی دچار اختلاف‌هایی می‌باشند کارساز است. در کنار دیپلماسی عمومی، دیپلماسی علمی هم قرار دارد که کشورهایی که در علم و فن‌آوری مهارت‌هایی دارند، می‌توانند به خوبی از آن استفاده کنند. فرضیه مقاله حاضر این است که، امروزه رژیم صهیونیستی سعی نموده است با استفاده از قدرت علمی و فن‌آوری خود و همچنین حمایت‌های ایالات متحده، باتوجه به نیازهای منطقه و به خصوص فلسطینی‌ها، موجودیت خویش را تا حدی، البته در طولانی‌مدت، مشروع سازد. نویسندگان به منظور اثبات آن، با ارایه آمار و شواهد تاریخی، در پاسخ به این پرسش که رژیم

صهیونیستی در قرن ۲۱ به دنبال چه راه‌کارهایی است که چالش‌های مشروعیت خویش را مرتفع سازد؟ «دیپلماسی علمی» را مطرح می‌کند. اسرائیل امروزه با توجه به قدرت علمی خویش و فن‌آوری جدید دنیا و با انواع بورس‌های تحصیلی و ارایه خدمات پزشکی و آموزشی و غیره، سعی دارد با همسایگان و اعراب به صلح و همکاری دست یابد. هرچند رسیدن به این صلح در کوتاه‌مدت ساده‌لوحی است، اما دیپلماسی علمی می‌تواند در بلندمدت به لایه‌های جوامع عرب نفوذ کند و رژیم صهیونیستی به صورت غیررسمی مشروعیت خود را به دست آورد، و این همان چیزی است که گروه‌های فکری موسوم به پساصهیونیسم با استفاده از قدرت نرم خواهان آن هستند تا موقعیت اسرائیل را در منطقه بهبود بخشند؛ به خصوص که بیشترین مناطقی که نسبت به مشروعیت اسرائیل تردید دارند، در خاورمیانه و اروپا می‌باشند. استفاده از شأن و اعتبار علمی، جدای هر مسلک و دینی همواره احترام‌زا بوده است، همان‌طور که تاحدودی امروزه مردم خاورمیانه به اعتبار علمی اسرائیل معترف هستند، و این یکی از راه‌کارهایی است که رژیم اشغالگر اسرائیل آن را مدنظر قرار داده است.

مقاله حاضر از سه بخش تشکیل شده است: در ابتدا وارد مبحث دیپلماسی می‌شویم و تعاریفی که از آن شده ارایه می‌گردد، سپس بحث دیپلماسی علمی مطرح و تحلیل می‌شود. در بخش دوم، کلیاتی از مناقشه اعراب و اسرائیل و روند پیدایی رژیم صهیونیستی گفته می‌شود. برای ورود به بخش سوم، لازم است ابتدا موقعیت علمی اسرائیل در جهان به صورت خلاصه مطرح شود، سپس بخش سوم که همان دیپلماسی علمی رژیم صهیونیستی است، مطرح می‌گردد. در این بخش، نویسنده اقدامات علمی و خدمات فن‌آوری اسرائیل را در چارچوب دیپلماسی علمی مطرح می‌کند و در حد امکان آمارهایی را ارایه می‌دهد. در بخش نتیجه‌گیری، نویسنده با تحلیل مطالب سه بخش مقاله، فرضیه خود را مبنی بر استفاده رژیم صهیونیستی از دیپلماسی علمی برای حل چالش‌های مشروعیتی و موجودیتی خویش، ثابت می‌کند.

### یک. دیپلماسی

از دیپلماسی تعریف‌های بسیاری ارایه شده است، آلدپوش و توتونچیان در کتاب *دیپلمات و*

دیپلماسی، ۴۶ تعریف از واژه دیپلماسی مطرح کرده‌اند. می‌توان ساده‌ترین آن را «نوعی مذاکره و شیوه مسالمت‌آمیز سیاسی در مقابل روش‌های قهرآمیز و نظامی برای حل و فصل منازعات بین‌المللی دانست»، اما معنای گسترده آن را می‌توان «مدیریت سیاست خارجی دانست که طی آن تمامی اقدامات یک دولت در روابط خارجی را شامل می‌شود.» بر این مبنای دیپلماسی را تجلی منافع و اولویت‌بندی‌های یک دولت در عرصه روابط بین‌الملل می‌دانند و گاهی نیز آن را با سیاست خارجی مترادف در نظر می‌گیرند. به همین خاطر گفته می‌شود که سیاست خارجی جوهره هدف‌ها و گرایش‌ها در روابط دولت‌هاست و دیپلماسی یکی از راه‌ها و پوشش‌ها برای اجرای سیاست خارجی است. (قوام، ۲) هدف اولیه هرگونه دیپلماسی حفظ و حراست از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین منافع کشور خودی یعنی امنیت و استقلال است. اقناع مهم‌ترین ابزار و دستاورد دیپلماسی است. در بسیاری از مواقع دیپلماسی تنها یکی از ابزارهای سیاست خارجی در میان عوامل دیگری چون اقتصادی، نظامی و غیره می‌باشد، اما حتی در کاربرد دیگر هم نقش آفرینی می‌کند. هانس مورگنتا معتقد است که دیپلماسی هنر مرتبط ساختن عناصر قدرت ملی به موثرترین شکل با آن دسته از ویژگی‌های شرایط بین‌المللی است که به منافع ملی مرتبط است. وی دیپلماسی را مغز متفکر قدرت ملی می‌دانست، بر این اساس دیپلماسی دارای چهار وظیفه اساسی است که شامل تعیین اهداف خود با توجه به قدرت بالفعل و بالقوه، ارزیابی اهداف سایر کشورها، تعیین میزان سازگاری این اهداف و به‌کارگیری ابزار مناسب برای دستیابی به اهداف خود می‌شود. (هادیان، ۱۳۸۸، ۵)

می‌توان گفت با ظهور نظام دولت-ملت‌ها و شکل‌گیری روابط مستمر میان بازیگران، دیپلماسی همواره یکی از راه‌های رسیدن به هدف و شیوه‌های ارتباطی با دیگر دولت‌ها بوده، اما به موازات ساختار سیاسی و اجتماعی حدود و ثغور آن تغییر نموده است، به‌طور مثال قبل از جنگ جهانی اول دیپلماسی بیشتر به‌صورت مخفی و پنهان از افکار عمومی و بین حکومت‌ها در جریان بود، اما به‌موازات دگرگونی در ساختارهای سیاسی و تبدیل جوامع اقتدارگرا به دموکراتیک، توسعه وسایل ارتباط جمعی و افزایش حساسیت و آگاهی عمومی به‌صورت آشکار درآمد دیپلماسی مدرن که با شکل‌گیری دولت-ملت‌ها وارد عرصه سیاست شد، در عصر ما به‌تدریج با تحولاتی که در عرصه علم و

فن‌آوری به‌وقوع پیوست، از شکل رسمی خود خارج شد. به‌خصوص با تحولاتی که در فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات شکل گرفت، دیپلماسی نیز دچار تحولاتی گردید و از آن شکل سنتی و دولتی خود دور شد و در سیمایی متفاوت با پراکندگی ساختاری به ظهور آمد. تحت این شرایط، امروزه علاوه بر دست‌اندرکاران رسمی دولتی، بسیاری از نهادهای غیردولتی و غیررسمی دست‌اندرکار دیپلماسی هستند. (قوام، ۵-۳) از جمله این نهادهای غیررسمی، نهادهای رسانه‌ای، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، نهادهای مذهبی و حقوق بشری و حتی بعضی از نهادهای توریستی می‌باشند. در دوران جنگ سرد تصور این بود که دیپلماسی به روابط میان حکومت‌ها مربوط می‌شود نه مردم و اجتماعات، اما به تدریج و با تحولات فن‌آوری، دیپلماسی عمومی که مخاطبش مردم باشد پررنگ شد؛ زیرا مردم نسبت به وقایع و موضوعات روز خود حساس و آگاه شده‌اند و دولت‌ها نیز از این اثرگذاری مردم، آگاه هستند. برای همین گفته می‌شود در عصر جدید دیپلماسی در درون جعبه سیاه رسوخ کرده است. شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده تا کشورها نیاز بیشتری برای ارتباط با گروه‌های اجتماعی کشورهای هدف پیدا کنند. مقام‌های کشورهای گوناگون بسته به توان خود، تلاش دارند علاوه بر قدرت نظامی و اقتصادی، از ظرفیت قدرت نرم برای پیشبرد سیاست خارجی خود بهره ببرند. دیپلماسی عمومی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌ها دانسته شده که هدف از آن استقرار و استمرار طولانی‌مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های نظام مورد نظر با جوامع دیگر است. (هادیان، ۱۳۸۸، ۷) دیپلماسی عمومی را می‌توان برقراری ارتباط با مردم دیگر به‌منظور تاثیر بر اذهان و اقدامات آنها و در نهایت بر تصمیمات دولت‌های آنها دانست. هدف از دیپلماسی عمومی این است که بتوان خارج از ایجاد حساسیت که دولت‌ها را نگران می‌کند، به تدریج و آرام در بطن جامعه حرکت کرد تا در بلندمدت تاثیر عمیق خود را بر جای بگذارد؛ چرا که زمانی که ارزش‌ها و عادات مردم رسوخ‌پذیر شود، به سهولت می‌توان اهداف و منافع سیاسی را نیز تحت تاثیر قرار داد. اهمیت دیپلماسی عمومی به‌ویژه به‌لحاظ ارتقای وجهه یک کشور مدنظر است و در واقع سازوکاری برای افزایش قدرت نرم است. در هر کشوری بنا به اهداف دیپلماسی مدرن امروز، مخاطب خاص و متفاوت خود را دارد؛ هرچند تصویرسازی به‌راحتی قابل پاک شدن نیست، اما کشورها با صرف اعتبارات و بودجه‌هایی به‌دنبال تصویرسازی‌های جدید از خود در ذهن مخاطبان‌شان در

کشورهای هدف در یک مسیر طولانی مدت اما عمیق هستند. دیپلماسی خواه‌ناخواه یک روی سکه سیاست خارجی است که در اجرای آن می‌تواند بازوی عملکردی آن باشد. از جمله روش‌های دیپلماسی عمومی می‌توان به پخش برنامه‌های خاص با جذب مخاطب بالا، ساخت فیلم و موسیقی، برگزاری نمایشگاه‌ها، بورس تحصیلی، برگزاری فستیوال‌های هنری و سمینارها، انتشار کتب، ارسال بیانیه‌ها و غیره اشاره کرد. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۹، ۴)

## دو. دیپلماسی علمی

از میان راه‌های متفاوتی که برای همکاری میان کشورها وجود دارد، تبادلات آکادمیک و پژوهشی در ایجاد ارتباط و افزایش فهم متقابل بین جوامع و کشورها نقش موثری دارد. تبادلات علمی از آنجا که ارتباطات نزدیکی با جنبه‌های فرهنگی حاکم بر زندگی مردم دارد، می‌تواند اثر وسیعی بر اذهان یک ملت داشته باشد. در علم با مجموعه‌ای از حقایق و قوانین یکسان روبه‌رو هستیم که برای تمامی افراد خواه از ادیان و ملل گوناگون به‌طور یکسانی پذیرفته شده است، پس دو فرد از هر رنگ و نژادی می‌توانند از باب علم به‌راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در دنیای امروز که کشورها از جایگاه علم و فن‌آوری آگاهند، همواره سعی در به‌دست آوردن علم و فن‌آوری دارند و این فرصت مناسبی است برای کشورهای دارنده علم و فن‌آوری به‌منظور رفع نیازهای دیگر کشورها و به‌دنبال آن تعمیق و بسط روابط خود با آن کشورها. در حقیقت مذاکرات بین‌المللی علمی، دو علت اساسی دارد: نخست اینکه، در عصر امروز دانش بشر روزبه‌روز تخصصی‌تر می‌شود و همه جوامع به یکسان از آن بهره‌مند نیستند؛ دوم اینکه به‌کارگیری علم و فن‌آوری برای پیشرفت، نیازمند توان تلفیق زمینه‌های مختلفی است که برای حل یک مشکل نیاز است. برای همین کشورها، خواه به ناچار، وارد همکاری می‌شوند تا از دایره رقابت علمی و فن‌آوری عقب نیفتند. (Steiner, 2004, 2-9) متداول‌ترین تعریفی که از دیپلماسی علمی و فن‌آوری می‌شود، آن را استفاده و کاربرد علم و فن‌آوری برای کمک به ساخت پل‌ها و افزایش روابط میان جوامع تعریف می‌کند. دیپلماسی علم و فن‌آوری معمولاً ابزاری منحصر به فرد برای ارتباط با جوامعی است که روابط سیاسی بین آنها وجود ندارد و یا این رابطه با چالش‌هایی روبه‌رو

است و امکان تعاملات رسمی بین آنها وجود ندارد. در واقع دیپلماسی علم و فن آوری با حرکتی آرام و خزنده در میان ملت‌ها تلاش می‌کند تا از درون جامعه، دولت‌ها و بدنه بیرونی آنها را مجبور به تغییر رفتار کند.

همکاری‌های علمی و فن آوری به‌عنوان بخشی از دیپلماسی علم و فن آوری یک کشور ابتدا با حرکت آرام خود، در بین متخصصان و اندیشمندان یک جامعه در دیدگاه‌ها و باورهای آنها نسبت به محیط و موضوع مورد هدف، تغییراتی را ایجاد می‌کند و سپس انتشار اثرات این همکاری‌ها بر زندگی عامه مردم، تغییر باورها را در جامعه فراگیر می‌کند. (Esposito, 2008, 4-9)

امروزه دولت‌ها و دیپلمات‌ها به این مساله توجه دارند که علم می‌تواند ابزاری سودمند برای دیپلماسی باشد. هر دانشمند یا دانشجویی که به کشور دیگری می‌رود، می‌تواند دیپلماتی محسوب شود که نماینده کشور خویش است و مهم تأثیری است که بر جوامع و ملت یکدیگر دارد. علم برای کشورهای پیشرفته یک نیروی نرم محسوب می‌شود که به کمک آن احترام و حمایت جهانی را توسط ایده‌ها و موفقیتشان به‌خود جلب می‌کنند. نمونه‌هایی از این دیپلماسی علمی را در همکاری‌های دانشمندان آمریکا و شوروی در دوران جنگ سرد و همچنین همکاری‌های آمریکا با دولت‌های خاورمیانه در زمینه فن آوری‌های آب و کشاورزی و غیره می‌توان دید. از نهادهایی که می‌توانند این دیپلماسی غیررسمی را جلو ببرند، می‌توان انجمن پیشرفت علم آمریکا را که یک سازمان غیرانتفاعی بین‌المللی برای پیشرفت علم در جهان است و با حدود ۳۰۰ انجمن آکادمی علمی در سراسر جهان همکاری دارد، نام برد. این انجمن نشانگر تلاش آمریکا برای برقراری ارتباط با کشورهایی است که مناسبات سیاسی محدودی با آمریکا دارند. برای مثال گرچه در بعضی کشورهای اسلامی و عربی به نیت دولت آمریکا مظنونند، اما دانش آمریکا در بطن جامعه این کشورها رسوخ کرده و دارای اعتبار و پذیرش بالایی است؛ ازجمله اقدامات این انجمن اینکه، سالانه به دانشمندانی که توانسته باشند همکاری بین دولت‌ها را در زمینه علم و فن آوری بالا ببرند، معرفی و امتیازاتی داده می‌شود. (خلج، ۱۳۸۸، ۵-۲) ارزش همکاری‌های علمی به حدی است که تمامی کشورهای دارنده این فرصت سهم بالایی از همکاری‌ها و رفع اختلافات با دیگر دولت‌ها را در این دیپلماسی علمی قرار داده‌اند.

مرکز «AAAS»<sup>۱</sup> که در آمریکا قرار دارد، راه جدیدی برای دیپلماسی علمی گشوده است. این مرکز در هر دو حوزه علم و سیاست خارجی کار می‌کند و بر روی جوامعی که به دیپلماسی علمی و هویت‌یابی جمعی جوامع اهمیت می‌دهند تمرکز نموده است؛ به خصوص در عصری که روابط رسمی کم‌رنگ شده و هدف آن استفاده از علم و همکاری‌های علمی برای پیشبرد درک و تفاهم بین‌المللی جوامع دنیاست. این مرکز زمانی در آمریکا راه‌اندازی شد که این کشور دچار چالش‌های فراوان با کشورهایی چون ایران، چین، کره شمالی و خاورمیانه در ارتباط‌های بین‌دولتی شده بود. امروزه همچنین وزارت خارجه آمریکا دارای یک مشاور علمی می‌باشد، موفقیت این مرکز زمانی بود که طبق یک بررسی در خاورمیانه اکثریت به دولت آمریکا و اقداماتش اعتماد نداشتند، اما وقتی پرسش درباره اعتبار علمی آمریکا شد، قریب اکثریت آن را پذیرفته و تحسین کردند و این مرکز توانست در خاورمیانه باب مناسبات بسیاری را با دیپلماسی علمی و بورس‌های تحصیلی بگشاید و شروع به ترمیم چهره آمریکا در خاورمیانه نماید. این نشان از اهمیت بالای دیپلماسی علمی در روابط بین کشورهاست. بر همین اساس، عده‌ای دیپلماسی علمی را یکی از عناصر قدرت تعریف کرده‌اند که روش‌های جدید فکر کردن در مورد مشکلاتی است که تا آن هنگام، با طرز تفکر «حاصل جمع صفر» نگرسته می‌شده است. بسته به شرایط، پروژه‌های علمی و فن‌آوری می‌توانند به انجام بسیاری از اهداف در مناطق جنگی کمک کنند. آنها می‌توانند شرایط را برای هر دو طرف مخاصمه، انسانی‌تر سازند و همچنین در بهبود اوضاع مخاصمه و در مواردی در حل و فصل مخاصمات موثر باشند. (AAAS Opens New Center for Science)

### سه. شکل‌گیری اسرائیل و بحران‌های پس از آن

مناقشه فلسطینی‌ها و اسرائیل شاید طولانی‌ترین کشمکش در قرون اخیر باشد. می‌توان گفت مساله قدس، مهم‌ترین مساله در مناقشه فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌هاست؛ زیرا اسرائیل نمی‌خواهد قدس شرقی را تخلیه کند و فلسطینیان نیز نمی‌پذیرند که قدس تحت حاکمیت اسرائیل باشد. (علیخانی، ۱۳۸۰، ۶)

1. American Association for the Advancement of Science



یهودیان تا قبل از ۱۸۹۰، تلاش‌هایی در خصوص ایجاد کشوری ویژه یهودیان انجام دادند که با ناکامی مواجه شد تا اینکه در ۱۸۹۶ تئودور هرتزل با انتشار کتاب کشور یهودی بنمایه شکل‌گیری ملی‌گرایی یهودی را استحکام داد. سه سال بعد، وی اولین همایش «صهیونیسم بین‌الملل» را تشکیل داد. بعد از این همایش بود که موج دوم مهاجرت یهودیان (۱۹۱۴ - ۱۹۰۴) به فلسطین آغاز شد. موج اول مهاجرت یهودیان به فلسطین به سال ۱۸۸۱ بر می‌گشت که طی آن یهودیان طبق عقاید سوسیال-صهیونیستی «موسی هس» اقدام به خرید زمین از دولت عثمانی و یا زمین‌داران عرب کردند.

با اتمام جنگ جهانی اول، انگلیس فلسطین را به تصرف خود درآورد و در ۱۹۱۷ اعلامیه بالفور را صادر کرد. در این اعلامیه انگلیس از تاسیس دولت ملی برای یهودیان در فلسطین حمایت کرد. در ۱۹۲۴، انگلستان از طرف جامعه ملل به‌عنوان قیمومیت بر فلسطین شناخته شد، در نتیجه زمینه مهاجرت دوباره یهودیان به فلسطین فراهم شد.

بعد از پایان جنگ جهانی دوم و خروج انگلیس از فلسطین، گروه‌های شبه‌نظامی یهود از جمله «هاشومیرو» و «هاگانا» قدرت را به دست گرفتند و به‌رغم تلاش‌های اعراب و فلسطینی‌ها و سازمان ملل برای غلبه بر صهیونیست‌ها، آنها نتوانستند مانع تشکیل دولت یهود بشوند. سرانجام در ۱۴ مه ۱۹۴۸ صهیونیست‌ها موجودیت اسرائیل را اعلام کردند. از آغاز عده‌ای از یهودیان با تشکیل دولت مستقل یهودی مخالف بودند. آنان معتقد بودند که یهودیان هر کشوری باید تابعیت همان کشوری را که در آن سکونت دارند، بگیرند. (Nisan, 2010, 8-22)

این در حالی بود که رژیم صهیونیستی هرگز نتوانست با اعراب به توافق دست یابد و موجودیتش از سوی اعراب و کشورهای منطقه انکار می‌شد. جنگ شش روزه و تسلط اسرائیل بر بخش‌های گسترده فلسطین و بخش‌هایی از سرزمین‌های متعلق به مصر، اردن و سوریه، چالش‌های هویتی و موجودیتی رژیم صهیونیستی را بیشتر نمود. از مشکلات مهم رژیم اشغالگر اسرائیل، کنترل جمعیت ناآرام فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی است. در دسامبر ۱۹۸۷ اعراب ساکن در نوار غزه و کرانه باختری به شورش غیرنظامی و مدنی پرداختند که به انتفاضه اول مشهور شد. اسرائیل نیز با کشتار، دستگیری، شکنجه و تبعیض فلسطینی‌ها و حمله به مناطق مسکونی به

مقابله با انتفاضه برخاست. انتفاضه که تا سال ۱۹۹۱ ادامه یافت، تأثیرات عمیقی بر جامعه اسرائیل گذاشت که منجر به رشد اندیشه‌های پسا صهیونیستی در جامعه اسرائیل شد. انتفاضه به واسطه گستردگی منجر به افزایش تورم و رکود فعالیت‌های اقتصادی و بحران در صنعت، به ویژه صنعت توریست شد. بروز جنگ‌های متعدد میان اعراب به خصوص فلسطین و اسرائیل، باعث شده است مردم اسرائیل برای امنیت و رفاه زندگی خود مجبور به پرداخت هزینه‌های بیشتر شوند. این در حالی است که علت مهاجرت بیشتر یهودیان به اسرائیل دستیابی به موقعیت بهتر از محل سکونت قبلی خود بوده است. حال آنکه، نسل جدید یهودیان اسرائیل احساس می‌کنند که پیروی از صهیونیسم آنها را از امنیت و آسایشی که در مناطق دیگر می‌توانستند به دست آورند، محروم کرده و این باعث واکنش‌هایی نسبت به اقدامات رژیم صهیونیستی از سوی یهودیان شده است.

#### چهار. حق حیات

مهم‌ترین چالش اسرائیل، چالش هویتی آن است که مشروعیت و حق حیات آن را به خطر انداخته است. اسرائیل هرگز نتوانسته است موافقت تمامی جامعه بین‌الملل را در مورد موجودیت خود به دست آورد و همچنین نتوانسته است از خود چهره‌ای مطلوب نزد جهانیان به تصویر بکشد، تا حدی که قطعنامه ۱۹۷۵ سازمان ملل صهیونیسم را با نژادپرستی یکسان مطرح کرد. (گیلبوا، ۱۳۸۹، ۹) هرچند این مشروعیت‌زدایی از بدو پیدایش اسرائیل وجود داشته و همچنان نیز ادامه دارد، نه تنها بین جهانیان به خصوص مسلمانان، بلکه حتی بین بعضی از خود یهودیان از جمله تام پالوین استاد یهودی دانشگاه آکسفورد که اذعان نموده هیچ وقت باور نکرده است که اسرائیل حق حیات دارد، نیز مطرح است. (گیلبوا، ۱۳۸۹، ۱۰) اسرائیل سرزمین‌های متصرفی از اعراب در جنگ سال ۱۹۶۷ را سرزمین کنترل شده یا سرزمین‌های مورد اختلاف می‌نامد، در حالی که در دنیا عبارت منفی اراضی اشغالی استفاده می‌شود و همچنین، اگر نه همه اما اکثریت دنیا نیز اصطلاح انتفاضه الاقصی (به معنی اینکه سرزمین‌های جهان اسلام به خطر افتاده) را پذیرفته‌اند، و حتی گفته شده است استفاد از لفظ دیوار به جای حصار امنیتی نشانگر دید منفی جهانیان به

اقدامات اسرائیل و هم‌ترازی آن با دیوار برلین است. اینها، نشان از عدم اعتبار و مشروعیت اسرائیل نزد جهانیان است. برخورد و بیانیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل با اسرائیل، نشان خوبی از منفوریت چهره بین‌المللی اسرائیل است. یک‌سوم قطعنامه‌های حقوق بشر سازمان ملل در انتقاد از اقدامات اسرائیل بوده است. خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها نیز در مشروعیت‌زدایی اسرائیل موثر هستند؛ زیرا اسرائیل همان قدر که مورد حمایت بعضی از رسانه‌های غربی (بیشتر آمریکایی) است، مورد انتقاد آنها نیز می‌باشد. یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین نقش رسانه‌ها به تصویرکشیدن شهادت محمدالدوره نوجوانی ۱۲ساله در آغوش پدرش بود که موج عظیمی از خشم و اعتراض ضداسرائیلی به‌راه انداخت. اسرائیل باوجود حمایت‌های آمریکا و بعضی دیگر از کشورهای غربی، همچنان نتوانسته است افکار عمومی را با خود همراه سازد، چنان‌که نظرسنجی‌ها نشان از عدم محبوبیت اسرائیل در اروپاست. اسرائیل کرانه غربی، شرق اورشلیم و غزه را از زمان جنگ ۱۹۶۷ اشغال کرده است. در حالی که اسرائیل به مقررات لاهه و کنوانسیون ژنو ملحق شده است، آن را به‌عنوان مجری تعهدات متخاصم تحت این کنوانسیون به‌رسمیت نمی‌شناسد؛ ازجمله این حقوق، حفاظت از جمعیت غیرنظامی و اموال و موسسات آنها، حق شهروندی فلسطینیان و بحث شهرک‌های یهودی‌نشین است. (www. sciencediplomacy, 2013)

مساله پناهندگان و مرزها نیز بین فلسطین و اسرائیل اختلاف‌زا می‌باشد. اسرائیل رژیم می‌باشد که در مورد حق حیات آن در دنیا اختلاف‌نظر است و دولت‌های محدودی بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت قدیمی اسرائیل می‌پذیرند. رهبران اسرائیل معمولاً با نازی‌های آلمان و سیستم آپارتاید آفریقای جنوبی مقایسه می‌شوند. در مجامع بین‌المللی و حقوق بشری همواره علیه جنایات اسرائیل بیانیه‌هایی صادر می‌شود. کشمکش‌های قرن ۲۱ باعث شده است که چهره اسرائیل نزد جهانیان نامحبوب‌تر شود. به‌دنبال همین وضعیت، اسرائیل همواره خواهان اقداماتی بوده که اعتبار خود را نزد اعراب و جهانیان بهبود بخشد. غسان خطیب معتقد است که هم فلسطینی‌ها و هم اسرائیلی‌ها به‌دنبال اثبات حقانیت خویش و جلب حمایت دنیا و مقصر دانستن طرف مقابل هستند، هرچند بسیاری پیروزی در این بین را از آن فلسطین دانسته‌اند؛ چرا که اسرائیل حمایت جامعه بین‌الملل را با خود همراه ندارد. (گیلبوا، ۱۳۸۹، ۴-۳) رژیم صهیونیستی علاوه بر چالش‌های خارجی

و بین‌المللی در مورد موجودیت خود، از سوی جامعه داخلی اسرائیل نیز دچار چالش شده است. اکثریت جامعه اسرائیل از مهاجران یا فرزندان آنها تشکیل شده است که باعث تحرک اجتماعی و گسترش تعارضات و افزایش تعداد آنها بین گروه‌های مختلف و تنوع قومی شده است. این تعدد خرده‌فرهنگ‌ها، به شکاف‌های اجتماعی منجر شده است. شکاف شکل گرفته میان اعراب و یهودیان موانعی را در مقابل اعراب برای مشارکت در قدرت ایجاد کرده است. فرصت ارتقای شغلی در ادارات و دستیابی به مناصب بالا در نهادهای دولتی و زندگی با رفاه بیشتر، برای اعراب محدود است. (www.knesset.gov.il) اعراب خود اسرائیل، همواره از تبعیض‌ها علیه آنها شکایت داشته‌اند؛ از جمله این شکایات مربوط به سیستم آموزشی اسرائیل بود. با اینکه اسرائیل از چهار نوع مدرسه برخوردار بود، اما کم‌امکان‌ترین مدارس، مدارس بخش عربی بودند و اساس آن میراث و فرهنگ یهودی بود و نیازهای فرهنگی - آموزشی فلسطینی‌ها نیز نادیده گرفته شد.

در میان گروه‌های موجود در اسرائیل، فلسطینیان، امروزه در پایین‌ترین وضعیت اجتماعی اقتصادی قرار دارند، به طوری که بیش از نصف خانواده‌های فلسطینی در اسرائیل زیر خط فقر زندگی می‌کنند. فقر در میان خانواده‌های فلسطینی سه برابر بیشتر از خانواده‌ها اسرائیلی یهودی است. براساس گزارش اداره مرکزی آمار اسرائیل، از ۱۰ خوشه طبقه‌بندی شده در اسرائیل، فلسطینیان در پایین‌ترین گروه و در جایگاه نهم هستند. طبق آمار ۵۰ درصد از خانواده‌های عرب دچار فقر هستند. در این میان مسیحیان به‌رغم تقسیم شدنشان به شعب مختلف و دوریشان از مراکز عمده اقتصادی، از حیث تحصیلات و رفاه در سطح عالی قرار دارند. با توجه به اینکه اعراب حدود ۲۰ درصد جامعه اسرائیل را تشکیل می‌دهند، این اقلیت بزرگ هنوز در جامعه اسرائیل هضم نشده است. مهم‌ترین شکاف در جامعه اسرائیل را شکاف میان یهودیان و عرب‌ها می‌دانند. بر اساس آمار، ۵۴ درصد یهودیان به اعراب اطمینان ندارند و آنها را انسان‌های خشن و ستون پنجم دشمن می‌دانند. ۵۱ درصد اعراب در نظرسنجی ۲۰۰۷ معتقدند که یهودیان نژادپرست هستند و عدم ورود آنها به زمین‌های فوتبال، استادیوم‌ها و اجاره ندادن آپارتمان‌ها به اعراب نشانگر این موضوع است. ۷۵ درصد از یهودیان از همسایه شدن با اعراب امتناع می‌کنند. (Coercive Diplomacy: Israel, 2012)

در کنار این بحران‌ها، همچنان مهم‌ترین بحران رژیم صهیونیستی، عدم پذیرش آن نزد اعراب و تردید مشروعیت آن نزد جهانیان است و همچنین چالش‌های حقوقی و مرزی که با همسایگان و فلسطینی‌ها دارد که موجودیت آن را تهدید می‌نماید. فلسطین و اسرائیل دارای فرصت‌ها و در عین حال چالش‌هایی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، کشاورزی و ارتباطات از راه دور هستند که همین موارد، فرصت خوبی را برای پروژه‌های «علمی و فن‌آورانه» فراهم ساخته است؛ از جمله در کشاورزی که تولیدکننده ۹/۳ درصد از اقتصاد فلسطین در ۱۹۹۹ بود، اما در سه ماهه اول سال ۲۰۱۲، عمدتاً به دلیل دسترسی محدود به زمین‌های قابل کشت، آب و بازار به چهار درصد رسید. دره اردن به تنهایی یک سوم از منابع آب زیرزمینی را داراست. با این حال، ۹۴ درصد از دره خارج از محدوده فلسطین است. کشاورزان فلسطینی باید آب را با مخازن، حمل و نقل و یا خرید کنند. بانک جهانی نشان داد، در حالی که ۱۰ هزار مهاجر و ۴۴۰۰ مترمکعب آب برای هر شخص در سال وجود دارد، ۲.۵ میلیون فلسطینی به طور متوسط ۵۲.۶ سانتیمتر را می‌توانند عملاً مصرف کنند. صادرات به شرق بیت‌المقدس ممنوع است. کشاورزی در غزه بسیار کاهش یافته است و از علل آن آلودگی آب و خاک، عدم دسترسی به امکانات و کودهای شیمیایی و ممنوعیت صادرات و غیره است. تهاجمات اسرائیل ۴۸ درصد از زمین‌های قابل کشت غزه را غیرقابل دسترس ساخته است، آب‌خوان ساحلی در حال شور شدن می‌باشد، تصفیه فاضلاب‌ها به حداقل رسیده، بسیاری از امکانات در تهاجم اسرائیل نابود شده است، به طوری که حدود ۲۴ میلیون گالن فاضلاب هر روز به دریا ریخته شده، سطح کلرید و نیترات از آب چاه ۱۰ برابر استاندارد سازمان بهداشت جهانی است و ۹۰ درصد از چاه‌ها آلوده شده‌اند.

علم و فن‌آوری زیادی برای عرضه در روش‌های پیشرفته کشاورزی، تصفیه آب و فن‌آوری آبیاری و سیستم‌های مرتبط و غیره نیاز است، اما تنها زمانی این امکانات ارایه می‌شوند که موانع سیاسی حذف یا اصلاح شوند. در غزه بسیاری از مراکز فنی و صنعتی و دانشگاه‌های اسلامی، آسیب جدی دیده‌اند. (Science & Diplomacy, 2013) اگرچه نفوذ یهودیان در کشورهای مختلف دنیا به‌خصوص اروپا و آمریکا یکی از باسابقه‌ترین و مهم‌ترین ابزارهای اسرائیل در پیشبرد اهدافش بوده،

اما این رژیم از ابتدا با توجه به حساسیت و بحران خیزی مبادلات و اقداماتش با جامعه بین‌الملل، به‌خصوص کشورهای عرب، سعی نموده است از دیپلماسی عمومی و انواع آن نیز استفاده کند، به نحوی که بتواند حداقل در غرب بحران هویت و مشروعیت خویش را تا حدی ترمیم سازد. اسرائیل برای موفقیت باید بر ترمیم چهره خود در اروپا و خاورمیانه همت گذارد؛ چراکه اسرائیل در خاورمیانه قرار دارد و حیات آن به‌طور انکارناپذیری به تحولات خاورمیانه گره خورده است، پس باید بتواند به مرور خود را به‌عنوان جزئی از هویت خاورمیانه در میان اذهان اعراب و سپس جهانیان قرار دهد، چالش‌های هویتی اسرائیل بیش از همه در خاورمیانه و اروپا قرار دارد.

### پنج. موقعیت علمی اسرائیل

علم و فن‌آوری در اسرائیل یکی از بخش‌های توسعه یافته آن است. درصد اسراییلی‌های درگیر در تحقیقات علمی و فنی و میزان صرف شده در تحقیق و توسعه در ارتباط با تولید ناخالص داخلی (GDP)، بالاترین درصد در جهان است. رژیم صهیونیستی اسرائیل رتبه چهارم علمی در جهان را دارد. اسرائیل دارای بیشترین تعداد دانشمندان، تکنیسین‌ها و مهندسان سرانه در جهان با ۱۴۰ دانشمند در ۱۰۰۰۰ است. در مقایسه، همان میزان ۸۵ در ۱۰۰۰۰ در ایالات متحده و ۸۳ در ۱۰۰۰۰ در ژاپن است. دانشمندان اسراییلی به پیشرفت کشاورزی، علوم کامپیوتر، الکترونیک، ژنتیک، مراقبت‌های بهداشتی، اپتیک، انرژی خورشیدی و رشته‌های مختلف مهندسی کمک کرده‌اند. رژیم اسرائیل یکی از پرجمعیت‌ترین‌ها در فن‌آوری و سواد در جهان است. در سال ۱۹۹۸، تل‌آویو توسط نیوزویک به‌عنوان یکی از ده محل فن‌آوری‌های اثرگذار در جهان نام‌گذاری شد. از سال ۲۰۰۰، اسرائیل یک عضو EUREKA شده است، تحقیق و توسعه بودجه پان اروپایی و سازمان هماهنگی، و ریاست دوره‌ای این سازمان برای سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ را عهده‌دار شد. آلبرت اینشتین در سال ۱۹۱۲، اولین بار سنگ بنای Technion (موسسه اسراییلی فن‌آوری) را گذاشت (Science and Technology in Israel) که این موسسه در زمینه‌های بسیاری هم‌اکنون فعال و دارای دانشکده و شعبه‌های تحقیقاتی در اروپا و کشورهای عربی و همچنین فلسطین است. انستیتو پاستور وابسته به ایستگاه یک واکسن‌سازی

در اسرائیل است. «WEIZAC»<sup>۱</sup> اولین کامپیوتر مدرن الکترونیکی در اسرائیل و خاورمیانه است که در موسسه وایزمن در ۱۹۵۵-۱۹۵۴ ساخته شده است. نخستین بار، خدمات پردازش داده‌های کامپیوتری با فن‌آوری بالا در خاورمیانه را اسرائیل ارائه داده است. رژیم صهیونیستی در فن‌آوری‌های مربوط به علم محیط زیست هم در خاورمیانه سرآمد است. اسرائیل دارای انرژی خورشیدی که از بشقاب سهموی افقی، (با یک ساختار مثلثی در بالای آن) حاصل می‌شود، است. بزرگ‌ترین بشقاب سهموی خورشیدی جهان در مرکز انرژی خورشیدی ملی بن‌گوریون قرار دارد. کمبود منابع انرژی رژیم صهیونیستی، موجب تحقیقات گسترده و توسعه منابع انرژی جایگزین شده و بب گردیده است که فن‌آوری‌های نوین در زمینه انرژی خورشیدی را توسعه بدهد و یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌های انرژی خورشیدی باشد. اسرائیل صنعت تصفیه فاضلاب قوی‌ای دارد. در سال ۲۰۰۹ پنجمین رتبه را در دنیا کسب کرد مبنی بر اینکه دارای سیستم قادر به مرتب‌سازی حجم عظیمی از مواد زاید جامد، بازیافت و تبدیل بقیه به بیوگاز و کود کشاورزی غنی است.

**علم فضا:** در نوامبر ۱۹۸۲، آژانس فضایی اسرائیل (ISA) تاسیس شد دانشکده تحقیقات فضایی Technion نقش مرکزی در توسعه این صنعت داشته است. در ۲۰۰۹، اسرائیل در مرتبه دوم در میان ۲۰ کشور برتر در زمینه علوم فضا توسط سازمان تامسون رویترز قرار گرفت. ماهواره GSAT - 4، برای عملیات مشترک و استفاده توسط دانشمندان هند و اسرائیل به بهره‌برداری رسید. صنایع هواپیمایی اسرائیل (IAI)، که زیر نظر مهندسی هوا و فضا می‌باشد، بسیار پیشرفت نموده است. در بین معدود کشورهای قادر به راه‌اندازی ماهواره به مدار، رژیم اسرائیل نیز مشاهده می‌شود که به صورت محلی آن را طراحی و توسط صنایع هوا و فضای اسرائیل (IAI)، که بزرگ‌ترین شرکت مهندسی نظامی اسرائیل در همکاری با آژانس فضایی اسرائیل است، راه‌اندازی شده است. اسرائیل، ارائه دهنده خدمات tele communications ماهواره‌ای به کشورهای اروپا، خاورمیانه و شرق آفریقا است.

#### 1. Weizmann Automatic Computer

**تحقیقات کشاورزی در اسرائیل:** کشاورزی اسرائیل توسط یک سیستم فشرده تولید، ناشی از نیاز به غلبه بر کمبود در منابع طبیعی، به‌ویژه آب و زمین‌های قابل کشت، در منطقه‌ای که بیش از نیمی از مساحت آن کویر است، مشخص می‌شود. همکاری دانشمندان و کشاورزان، منجر به توسعه فن‌آوری‌های پیشرفته کشاورزی، روش‌های آبیاری با صرفه‌جویی، هضم بی‌هوازی، فن‌آوری گلخانه‌ای، کشاورزی کویر و تحقیقات شوری شده است. کشاورزان اسرائیل، برای اطمینان از تامین مستمر کیفیت بالای تولید و غلبه بر موانع ناشی از شرایط نامطلوب آب و هوایی و کمبود زمین، به‌شدت تکیه بر فن‌آوری گلخانه‌ای دارند. رژیم صهیونیستی توانسته است با کنترل بسیاری از پارامترهای تولید، با موفقیت سه میلیون گل رز در هکتار و به‌طور متوسط ۳۰۰ تن گوجه فرنگی در هر هکتار به‌صورت گلخانه‌ای در فصل برداشت کند. ( Science and Technology in Israel) مهندسی هیدرولیک اسرائیل نیز به‌دنبال کمبود آب و چالش‌های سیاسی آن پیشرفت کرده است. پروژه‌های در مقیاس بزرگ برای هدایت آب از رودخانه‌ها و مخازن در شمال، به استفاده بهینه از آب‌های زیرزمینی و دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن و غیره انجامیده است.

**کامپیوتر:** رژیم صهیونیستی در صنعت کامپیوتر نیز پیشرفت‌هایی داشته است، به‌طوری که شرکت‌های اینتل و مایکروسافت اولین مراکز خارج از کشور خود را در اسرائیل تاسیس کردند. موسسه وایزمن اسرائیل، در میان ۲۰ موسسات علمی برتر جهان در علوم کامپیوتر قرار دارد.

**علوم بهداشت و درمان:** اسرائیل دارای زیرساخت‌های پیشرفته از قابلیت‌های پژوهش و مهندسی زیستی، پزشکی و پیراپزشکی. بیوتکنولوژی، پزشکی، تحقیقات بالینی و غیره است. ژنتیک و تحقیقات سرطان، تحقیقات سلول‌های بنیادی پیشرفته در اسرائیل شکل گرفته است. اولین گام در توسعه مطالعات سلول‌های بنیادی در اسرائیل، در اوایل ۱۹۶۰ رخ داده است. در ۲۰۰۶، دانشمندان اسرائیل در صدر مجلات علمی منتشر شده در خصوص تحقیقات سلول‌های بنیادین، جای داشتند. در ۲۰۱۲، اسرائیل یکی از رهبران جهان در تحقیقات سلول‌های بنیادی با بیشترین تعداد مقاله‌ها، اختراع و غیره بود.

**مهندسی پزشکی:** تجهیزات پزشکی پیشرفته برای هر دو اهداف تشخیصی و درمانی توسعه



داده شده و به بازار سراسر جهان عرضه شده است؛ از جمله توموگرافی کامپیوتری (CT) اسکنر، سیستم‌های تصویربرداری رزونانس مغناطیسی (MRI)، اسکنر اولتراسوند، دوربین‌های پزشکی هسته‌ای، لیزر جراحی و غیره؛ صنایع دارویی که مقرر آن در Petah تیکوا است؛ اسرائیل، بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر عمومی در جهان و یکی از ۲۰ شرکت بزرگ داروسازی در سراسر جهان است. تحقیقات دارویی اسرائیل در داروی ام اس پیشرفت خیره‌کننده‌ای داشته است.

**موسسات تحقیقاتی و آموزش و پرورش:** اسرائیل دانشگاه‌های بزرگی در سطح جهان دارد و یک ابرقدرت علمی با قابلیت اتصال به سازمان‌های حرفه‌ای علمی بسیار توسعه‌یافته در سراسر جهان است. اسرائیل دارای هفت دانشگاه تحقیقاتی است که عبارتند از: دانشگاه بار ایلان، دانشگاه بن‌گوریون از نگب، دانشگاه حیفا، دانشگاه عبری اورشلیم، Technion (موسسه اسرائیلی فن‌آوری) ، دانشگاه تل‌آویو و موسسه عالی علوم وایزمن، و رخوت. مرکز بن‌گوریون (موسسه ملی انرژی خورشیدی) می‌باشد. دانشگاه‌های اسرائیل در میان ۵۰ موسسات علمی برتر جهان در رشته‌های علمی قرار دارند. اسرائیل انتقال فن‌آوری و دانش کشاورزی با کشورهای در حال توسعه را به اشتراک گذاشته است. در ۲۰۰۷، کمیته اقتصادی و مالی مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیش‌نویس قطعنامه اسرائیل و حمایت در انتقال فن‌آوری کشاورزی برای کشورهای در حال توسعه را به تصویب رساند. این طرح حاصل سال‌ها کمک اسرائیل در انتقال دانش و فن‌آوری به کشورهای در حال توسعه بود؛ به‌ویژه در آفریقا، در حوزه‌های کشاورزی، مبارزه با بیابان‌زایی، توسعه روستایی، آبیاری، و توسعه‌های پزشکی. ([www.aaas.org/enhancing-education](http://www.aaas.org/enhancing-education))

### شش. دیپلماسی علمی اسرائیل

واژه‌ای که به طور سنتی به‌عنوان دیپلماسی علمی در اسرائیل تا سال‌های اخیر به کار می‌رفت، واژه هاسبارا بود. این واژه در لغت به‌معنای توضیح و تبیین است که اتحادیه دانشجویی یهودی مورد حمایت اسرائیل، برای مشروعیت اسرائیل و اقدامات آن و دفاع از هویت اسرائیل آن را به کار می‌برد و رفته‌رفته گسترش یافت و سبکی از دیپلماسی عمومی اسرائیل گردید (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۹، ۹)

دانشمندان و دیپلمات‌ها، نقش S&T (علم و فن‌آوری) در مناقشه اسرائیل و فلسطین را

شبيه به كسانى كه در مناطق جنگى ديگر مفيد هستند، مى دانند. لذا اين رژيم تلاش كرده است تا در كنار تلاش هاى سياسى اش براى عادى سازى روابط با كشورهاي منطقه از ابزار علم و فن آوري براى بهبود وجهه اش در ميان ملت هاي مسلمان استفاده كند. يكي از مهم ترين بخش هاي اين اقدام استفاده از برنامه همكاري منطقه اي خاورميانه (MERC) است. اين برنامه يك برنامه تحقيقاتى رقابتي است كه از همكاري، ميان دانشمندان اسراييلي و عرب حمايت مى كند. اين برنامه در واقع بعد از قرارداد كمپ ديويدي در ۱۹۷۹ ايجاد شد. طرف هاي درگير، برنامه «مرك» را براى تقويت همكاري ميان محققان اسراييلي و مصرى ايجاد كردند و از ۱۹۹۳ به ساير كشورهاي عربى منطقه از جمله كرانه باخترى رود اردن، نوار غزه، مصر، مراکش، لبنان و تونس گسترش پيدا كرد. اين برنامه سعي مى كند موضوعات همكاري را به طور هوشمندانه اي انتخاب كند. پروژه ها بر موضوعاتي كه مرتبط با کشاورزي، آب، محيط زيست و سلامت است، تمرکز مى كند. اين موضوعات اغلب بر روى مشكلات منطقه تمرکز دارند و سعي مى كنند نتايج آن اثر چشم گيري بر روى زندگى عادى مردم داشته و براى توسعه منطقه مناسب باشند.

ارايه بورس هاي تحصيلي در دانشگاه هاي اسراييل، ايجاد آزمایشگاه ها و مراکز تحقيقاتى پيشرفته مشترك، انتشار نشریات مشترك، برگزارى دوره هاي آموزشي کوتاه مدت و برگزارى نشست هاي مشترك براى ارايه نتايج اين همكاري ها از ديگر اقدامات برنامه همكاري مرك است. بيش از پنج ميليارد دلار سالانه براى ارايه اين بورس ها بودجه اختصاص داده مى شود و سهم فلسطيني ها از اين بودجه قريب به يك پنجم آن مى باشد. علاوه بر شكل گيري همكاري ميان دانشمندان رژيم صهيونيستي با متخصصان منطقه، دست بالاي قدرت علمى رژيم صهيونيستي در اين همكاري ها سعي مى كند قدرت و برند علمى اين رژيم را نيز در ميان جوامع مسلمان افزايش دهد. ([www. sciencediplomacy. org](http://www.sciencediplomacy.org)) هر چند اشغال طولانى مدت فلسطين، تلاش هاي شكست خورده در توافق نهايي و شكل گيري خشونت و ترور در هر دو طرف، باعث ايجاد دشمنى عميق و بي اعتمادى ميان اسراييل و فلسطين شده، ساده لوحى است كه انتظار داشته باشيم پروژه هاي علم و فن آوري، چه يك جانبه و يا به طور مشترك، در کوتاه مدت صلحي برقرار سازد. اما محدوديت هاي شديد علمى و آكادمي در كشورهاي در حال توسعه

(مانند فلسطین) و دسترسی به ابزار مدرن علم و فن آوری گسترده‌تر، می‌تواند پیش‌شرطی برای صلح پایدار بین دو طرف شود. تعامل گسترده‌تر با جامعه بین‌المللی در این پروژه‌ها (هم‌اکنون حمایت‌هایی از سوی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا برای تعامل علمی بیشتر فلسطین و رژیم صهیونیستی صورت گرفته است) نیز موثر است و مهم این بوده که این دیپلماسی به‌دنبال نفوذ بر افکار است که حتی افکار فلسطینیان را هم شامل می‌شود.

در ۲۰۰۸ بودجه دیپلماسی علمی و فرهنگی اسرائیل برابر ۱۳/۷ میلیون شکل بوده و این در حالیست که میزان دیپلماسی عمومی که حکومت سردمدار آن است، در مقایسه با فعالیت‌های بخش خصوصی اسرائیل بسیار ناچیز است؛ از جمله این فعالیت‌ها طرح آموزش هنر اسرائیل و بریتانیا بود که در آن مبادلات و همکاری در زمینه هنرهای بومی بود و فعالیت دیگری چون جشنواره اسرائیل که هر ساله بهار اجرا می‌شود و مستقیماً زیر نظر وزارت علوم و فرهنگ و ورزش است. همچنین اسرائیل دارای یک تفاهم‌نامه مبادلات جوانان با آلمان می‌باشد که حیطه‌های آموزشی را در بر می‌گیرد و از اهداف گسترش ارتباط با دیگر کشورها نیز می‌باشد و تبادلات افراد، هنرمندان و دانشمندان میان اسرائیل و کشورهای عربی منطقه خاورمیانه تحت نظر وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی وجود دارد؛ از جمله نشست مشترک دانشجویان فلسطینی، عرب و اسرائیلی در برلین، سال ۲۰۰۷ که با هدف شکستن حلقه خصومت برگزار شد. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۹، ۱۶)

ایالات متحده آمریکا حدود ۶۰۰ میلیون دلار در سال به فلسطینی‌ها، در چند سال گذشته (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴) به‌طور متوسط کمک نموده است. حدود ۲۰۰ میلیون دلار کمک مالی مستقیم بودجه‌ای است، ۱۰۰ میلیون دلار کمک مالی امنیتی غیرکشنده است و ۳۰۰ میلیون دلار کمک به پروژه‌های غیردولتی و آموزشی و بهداشتی است. حمایت قوی از S&T و تلاش‌های توسعه‌ای در فلسطین، در حال حاضر تنها سیاست عملی مطابق با منافع آمریکا در ایجاد تفاهم، در عدم حمایت از حماس و اقدامات آن می‌باشد. از این پروژه‌های علمی می‌توان به خدمات در مداوای بیماری‌های مسری و دیگر مسائل مربوط به بهداشت و مشکلات زیست‌محیطی (آب و فاضلاب تصفیه نشده در میان آنها) اشاره نمود. علم و فن آوری و پروژه‌های

تعاونی به تنهایی اعتماد فلسطینیان به اسرائیل را ایجاد نمی‌کند، اما می‌تواند به‌عنوان بخشی از یک سیاست گسترده‌تر تعامل را تشویق کند و به‌نفع کسانی است که قطعنامه‌ای غیرخوشونت‌آمیز، را حمایت می‌کنند و خواهان صلح می‌باشند.

### هفت. دیپلماسی آب

یکی از چالش‌های مهم اسرائیل با اردن و فلسطین وضعیت آبی فلسطین است. بزرگ‌ترین جریان در رود اردن حوضه رود اردن و رود یرموک (و منابع آب‌های زیرزمینی قابل توجه همراه با آنها)، بین اردن و اسرائیل مشترک است. در ۱۹۹۴، بین اسرائیل و اردن قرارداد صلحی امضا شد که شامل یک مورد دقیق در مورد تقسیم آب و انتقال فصلی در سراسر مرزها بود. اگرچه این موافقت‌نامه سواحل سوریه، لبنان و سرزمین‌های فلسطین را شامل نشد، اما با توجه به پویایی سیاسی یک دستاورد قابل توجه بود؛ از جمله علل این توافق، کمک اسرائیل به اردن برای دستیابی به آب اضافی با استفاده از فن‌آوری‌های آب‌شیرین‌کن بود. در طرح آب ملی رژیم صهیونیستی که به‌تازگی منتشر شده، اسرائیل اعلام کرد که در نظر دارد برای پاسخ‌گویی، ۷۰ درصد نیاز آب خود را در سال ۲۰۴۰ از طریق آب‌شیرین‌کن تامین سازد. توانایی علمی و فنی در مذاکرات آب مهم است، همکاری‌ها و مذاکرات فنی می‌تواند بسیاری از فرصت‌ها را برای حل کم‌آبی منطقه حل سازد، که این خود با توجه به قدرت علمی و فناوریانه اسرائیل راهی در کسب مشروعیت رژیم صهیونیستی از سوی اعراب و همسایگان است. (Nisan, 2010, 8-15)

از دیگر همکاری‌های فنی و علمی بین رژیم صهیونیستی و اعراب، به‌خصوص فلسطین، برداشت محصولات کشاورزی است که زیر نظر پژوهشگاه مواد و انرژی است. برنامه همکاری منطقه‌ای خاورمیانه (پژوهشگاه مواد و انرژی) یک برنامه کمک هزینه‌ای تحقیقاتی رقابتی، توسط آژانس ایالات متحده برای توسعه بین‌المللی و پشتیبانی از همکاری میان دانشمندان عرب و اسرائیل در زمینه‌های گوناگون است. پروژه‌های پژوهشگاه مواد و انرژی در مورد مسائل مربوط به کشاورزی، آب، محیط زیست و بهداشت می‌باشند؛ یعنی تمرکز بر روی نیازهای فوری منطقه خاورمیانه و اعراب. معیارهای انتخاب عبارتند از: شایستگی فنی، نوآوری‌ها، کمک به توسعه

منطقه‌ای و همکاری‌های درازمدت اعراب و اسرائیل. تاثیر این برنامه بر روابط برون‌مرزی به صورت بلندمدت می‌باشد که شامل چندین کشور در شرق میانه است. در کرانه غربی و نوار غزه، پروژه ظرفیت پژوهشی، فرصت‌های آموزشی پیشرفته‌تری را با هم‌تایان اسرائیلی تقویت کرده است. پژوهشگاه مواد و انرژی در حال حاضر شامل موسساتی در کرانه غربی و نوار غزه، و همچنین در مصر، اردن، مراکش، لبنان و تونس می‌باشد. محققان فلسطینی با دریافت تقریباً یک میلیون دلار از بودجه سالانه، یکی از بزرگ‌ترین گروه از دریافت‌کنندگان کمک‌های مالی پژوهشگاه مواد و انرژی می‌باشند. این برنامه همچنین به تشویق همکاری اعراب و اسرائیل به صورت مستقیم به جای تکیه بر نهادهای واسطه ایالات متحده برای مدیریت پروژه‌ها تاکید دارد. تا سال ۲۰۰۷ پژوهشگاه مواد و انرژی بیش از یکصد برنامه سالانه همکاری، که هیچ کدام با واسطه ایالات متحده نبود، دریافت کرده بود. بسیاری از پروژه‌های فعلی این برنامه، شرکای ایالات متحده نیستند، بلکه در همکاری مستقیم میان اسرائیل، فلسطینیان و دیگر شرکای عرب می‌باشند. ۳۷ پروژه پژوهشگاه در سال ۲۰۱۱، میان اعراب و اسرائیل وجود داشت که ۱۷ مورد آن شامل موسسات در کرانه غربی و نوار غزه می‌شد. برخی از پروژه‌ها شامل نهادهای مختلف فلسطینی و یا چند کشور عرب، با حداقل یک محقق فلسطینی می‌شود و بودجه‌ای برای دانشمندان فوق دکترا، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، در نظر گرفته می‌شد. اردن، اولین کشور در پروژه‌های پژوهشگاه مواد و انرژی می‌باشد، با ۲۵ کمک‌هزینه فعال که بسیاری از آنها را موسسات تحقیقاتی دولتی و یا نهادهای غیردولتی و دانشگاه‌های ایالات متحده و یا اسرائیل تامین نموده‌اند. ([www.aaas.org/enhancing-education](http://www.aaas.org/enhancing-education)) از جمله این پروژه‌ها، همکاری‌هایی در مورد بهبود فلج مغزی می‌باشد، به طور خاص بر بهبود توانایی‌های حرکتی عملکردی کودکان در خاورمیانه یا ناتوانی ناشی از فلج مغزی (CP) متمرکز شده است. این پروژه پیشرفت قابل توجهی در کرانه غربی داشته است. بعضی از کودکانی که هرگز نمی‌توانستند راه بروند، در حال حاضر می‌توانند راه بروند، و پدر و مادرهایی که به دنبال بهبود فرزند خود هستند، دید بسیار خوبی به این برنامه پیدا کرده‌اند و برای آنها دیگر اهمیتی ندارد که آیا درمان‌گر عرب است یا اسرائیلی و آنها فقط خوشحال برای دریافت کمک و نتایج به‌دست آمده هستند. درمانگران از مراکز دوره‌های

مشترک اعراب و اسرائیل جایی که آنها پژوهش‌های جدید و روش درمان جدید را یاد گرفته‌اند، حضور داشتند. این دوره‌ها نیز در پایه‌ریزی همکاری‌های آینده کمک کرد. سی.ان.ان. مستندی در مورد این پروژه در کرانه غربی تهیه نمود که توجه بسیاری از مردم کرانه غربی و اعراب را به خود جلب نمود که این خود، موفقیت محسوس برای گروه علمی اسرائیل به حساب آمد.

خاورمیانه دارای شیوع بالای EB (نوعی بیماری پوستی) با عوارض قابل توجه است. برای تشخیص و جلوگیری از EB در شرق میانه، اولین پایگاه داده اپیدمیولوژیک منطقه در سال ۲۰۱۲ تاسیس شده است که پروژه‌ای مشترک از دانشمندان عرب و اسرائیلی است و محققان عرب از آن با توجه به نیازهای منطقه استقبال نموده‌اند.

**بیماری‌های کشاورزی اصلاح مقاومت:** از دیگر برنامه‌های پژوهشگاه مواد و انرژی تحقیقات برای ایجاد و اصلاح محصولات زراعی است. هفت کشور خاورمیانه با مشارکت محققان اسرائیلی در ۲۰۱۰، توانستند بر روی گونه‌های زراعی تحقیقاتی انجام دهند و تولیدات خود را بهبود بخشند. در حال حاضر یک آزمایشگاه تشخیصی در منطقه فلسطینی‌ها نیز تاسیس شده است.

**بیماری‌های گوجه فرنگی و اصلاح مقاومت آنها:** همکاری در شش کشور عرب و اسرائیل شکل گرفته است. از طریق این پروژه بسیاری از دانش‌آموزان فلسطینی مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه عبری در اسرائیل دریافت می‌کنند. در سال ۲۰۱۲، یک آزمایشگاه کشت بافت کارآمد محصولات کشاورزی در فلسطین به صورت مشترک تاسیس شده است. (The Middle

#### (East Regional Cooperation Program\_Science & Diplomacy

از دیگر ابزار دیپلماسی علمی اسرائیل، می‌توان به انواع بورس‌های تحصیلی که به اعراب اختصاص می‌دهد اشاره نمود: ایالات متحده، مقصد اصلی برای دانشجویان عرب است که از طریق بورس‌های اسرائیل، مدرک دکترای خود را در خارج از کشور به دست آورند؛ چرا که بورس تحصیلی فولبرایت آمریکا دارای سهم مشارکتی با دانشگاه‌های اسرائیل است و به دانش‌آموزان با برتری علمی کمک هزینه‌های تحصیلی و تضمین شغلی تخصیص می‌دهد. در ۲۰۱۱، بنیاد فولبرایت کمک هزینه تحصیلی و کمک هزینه تحقیقاتی اعطا شده به بیش از ۱۳۰۰ نفر دانشگاهی اسرائیل، از جمله دانشجویان عرب، و همچنین کمک‌های مالی سالانه به هشت تا ۱۰

دانش‌آموز عرب از اسرائیل به قصد به دست آوردن درجه بالاتر، به‌خصوص دکترا اختصاص داده است. یکی از علل مهم تحصیل در خارج، برای اعراب اسرائیل، دستیابی به شأن و منزلت اجتماعی بالا در جامعه اسرائیل است. در ۲۰۱۲، حدود ۲۵۰ عضو هیات علمی در چهار کالج آموزش عربی، مدرک دکتری خود را از اسرائیل و نیز از دانشگاه‌های خارجی کسب نمودند.

Schusterman بورس مشترکی است بین اسرائیل و آمریکا که به محقق برگزیده عرب هر ساله ۱۵۰۰۰ دلار اختصاص داده می‌شود و همچنین امتیازی است برای ادامه تحصیل در مقاطع مختلف در دانشگاه‌های اسرائیل و آمریکا برای دانش‌آموزان که دانش‌آموزان برگزیده عرب را هم شامل می‌شود. ([www.schusterman.or](http://www.schusterman.or))

لیگ یهودیان آمریکا، بورس تحصیلی دانشگاه اسرائیل، صندوق کمک هزینه تحصیلی دانشگاه‌های اسرائیل و آمریکا است که برای اعراب نیز قابل استفاده است و موسسه فن‌آوری Technion که در حیفاست، با حمایت مالی دانشگاه عبری اورشلیم، پروژه‌های مشترکی با محققان عرب، و انتقال فن‌آوری به کشورهای منطقه را هدایت می‌کند؛ این موسسه هم‌اکنون گسترده‌ترین شعبات تحقیقاتی در میان کشورهای عرب را داراست. در ۲۰۱۰ حدود ۲۵ بورس به فلسطینیان اختصاص داد.

**روتاری تحصیلی، دانش پژوهی:** بورسی به منظور یک سفیر بین‌المللی برای درک بیشتر تفاهم بین‌المللی و روابط دوستانه در بین مردم کشورهای مختلف و مناطق جغرافیایی است. این برنامه انواع مختلفی از کمک هزینه تحصیلی برای دانشجویان دوره کارشناسی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی و حرفه‌ای را شامل می‌شود. ([www.rotary.org/FA/studentsandyout](http://www.rotary.org/FA/studentsandyout))

**دوروت:** بنیاد کمک هزینه سفر به کالج‌های معتبر اسرائیلی می‌باشد که دانش‌آموزان خاورمیانه نسبت به دیگر دانش‌آموزان امتیازهای بالاتری دارند و در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ حدود ۲۰۰ ورودی از خاورمیانه داشته است. ([www.dorot.org/DFI](http://www.dorot.org/DFI))

**کمک هزینه تحصیلی فولبرایت:** برنامه فولبرایت گل سرسبد برنامه تبادل آموزشی بین‌المللی اسرائیل با حمایت مالی دولت آمریکا برای افزایش درک متقابل میان مردم ایالات متحده و اسرائیل با مردم کشورهای دیگر است. این بورس تحصیلی در میان فلسطینی‌ها و سایر اعراب بیشترین

استفاده را در سال‌های اخیر داشته است. همچنین، نسبت دانش‌آموزان مدارس بخش‌های عربی در حال افزایش است. بر اساس یک مطالعه جمعیتی که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است، مدارس مستقل و اعراب با هم ۶۰ درصد از جمعیت مدرسه ابتدایی اسرائیل را تا سال ۲۰۳۰ تشکیل خواهند داد. در سال ۲۰۰۷ نیز، وزارت آموزش و پرورش اسرائیل طرحی را برای افزایش بودجه برای مدارس در جوامع عرب اعلام نمود. در سال ۲۰۱۰، تعداد معلمان علوم کامپیوتر در بخش عربی ۵۰ درصد افزایش یافت و این در حالی بود که رژیم صهیونیستی امتیازی را برای معلمان عرب کشورهای منطقه نیز در نظر گرفته بود و همچنین تعداد معلمان فیزیک در مدارس عربی رشد ۲۵ درصدی و مدرسان شیمی ۴۴ درصدی در ۲۰۱۱ داشتند که همچنان اولویت با مدرسان عرب زبان خاورمیانه بود. ([http://www.factsandlogic.org/ad\\_08.html](http://www.factsandlogic.org/ad_08.html))

### نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی با گذشت حدود شش دهه از شکل‌گیری، همچنان دچار عدم پذیرش جهانی و عدم مشروعیت در میان اعراب است. در سال‌های اخیر این بحران مشروعیت، به جامعه داخلی اسرائیل نیز سرایت نموده است و نسل امروز یهودیان، خواهان امنیت، صلح با دنیا و رفاه بیشتر هستند تا کشته شدن در جنگ با اعراب. از سوی دیگر، این رژیم دچار بحران‌های بسیار با همسایگان خود در مورد وضعیت آب و مرزها و ... است که سرمنشا اصلی آنها، همان عدم مشروعیت اسرائیل نزد اعراب است. از نگاه جهانی، اسرائیل نتوانسته است آن‌طور که مدعی است حمایت افکار عمومی جهان را به‌دست آورد. همان‌طور که آمار نشان داده، اسرائیل علاوه بر خاورمیانه در اروپا نیز محبوبیت چندانی ندارد و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل نشان از عدم حمایت افکار جهانی از رژیم صهیونیستی دارد.

به‌دنبال این چالش‌ها، مقامات اسرائیلی تا حدی نسبت به اصول صهیونیسم انعطاف نشان دادند و اولویت خود را حفظ موجودیت و کسب مشروعیت قرار دادند. برای نیل به این هدف، در عصری که فن‌آوری و علم بسیار مهم می‌باشد، سعی نمودند از راه دیپلماسی علمی ارتباط خود را با اعراب و دیگر کشورهای دنیا (به‌خاطر عدم حساسیت سیاسی، پروژه‌های علمی) بالا ببرند و از



این طریق در طولانی مدت بتوانند چالش‌های مشروعیتی و هویتی خویش را حل سازند. به‌همین خاطر است که از سال ۲۰۰۰ به بعد پروژه‌های علمی و تحقیقاتی اسرائیل در خاورمیانه ۳۰ درصد افزایش داشته است و همچنین میزان بورس‌های تحصیلاتی اعراب از سوی اسرائیل رشد ۲۵۰ نفری داشته است. شاید بزرگ‌ترین موفقیت این دیپلماسی را در پروژه درمان ناتوانی حرکتی کودکان اعراب بتوان دانست که تحسین و پذیرش اکثریت اعراب را در پی داشت. هم‌اکنون در سال ۲۰۱۴، پروژه‌های مرک در کشورهای عربی منطقه در حال تحقیقات می‌باشند که این نشان از تعامل محققان عرب و اسرائیلی دارد. هرچند مسائل سیاسی پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های خود را دارد که به سادگی نمی‌توان آنها را حل شده نامید، اما بیره نیست اگر گفته شود دیپلماسی علمی در طولانی‌مدت اگر نتواند مشکلات را حل کند، با پذیرشی که در میان مردم یک جامعه به‌دست می‌آورد، حداقل آنها را کم‌رنگ خواهد ساخت و این همان چشم‌اندازی است که مقامات رژیم صهیونیستی برای مشروعیت خود در کنار تلاش‌های رسمی و غیره خواهان آن هستند تا بتوانند با اعراب آمیخته شوند و هویت و مشروعیت آنها به تدریج مورد پذیرش اعراب و جهانیان قرار گیرد.

## منابع و یادداشت‌ها:

۱. خلج، مونا (۱۳۸۸)، «دیپلماسی در علم»، اطلاع‌رسانی و کتابداری، ش ۴۴.
۲. شیخ‌الاسلامی، محمدحسن (۱۳۸۹)، «دیپلماسی عمومی اسرائیل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای (اسرائیل‌شناسی، آمریکاشناسی)، سال یازدهم، ش ۴.
۳. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، «فلسطین و اسرائیل، نزاع بر سر هویت»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۷.
۴. قوام، عبدالعلی، «از دیپلماسی مدرن به دیپلماسی رسانه‌ای»، انتشارات بی‌تا.
۵. گیلبوا، ایتان (۱۳۸۹)، «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی اسرائیل»، فصلنامه مطالعات فلسطین، ش ۳.
۶. هادیان، ناصر و افسانه احدی (۱۳۸۸)، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، ش ۳.
7. Charles, K and Taylor, Jennis (2006), "The Israel and Palestine Land Settlement Problem, 1948-2005: An Analytical History" *Public Choice*, Vol. 128.
8. "Coercive Diplomacy: Israel, Transjorda and the UN–A Triangular Drama Revisited," 2012, *British Journal of Middle Eastern Studies*, at: <http://dx. doi. org/10. 1080/13530194. 2012. 659445>
9. Esposito, Michele (2008), "Quarterly Update on Conflict and Diplomacy," *Journal of Palestine Studies*, vol. 37, no. 3.
10. Limpenan, Edvard (2012), "in a Stormy Arab Spring, What is the Role for Science Diplomacy?" [www. aaas. org/enhancing-education](http://www. aaas. org/enhancing-education)
11. Nisan, Mordechai (2010), "The Druze in Israel: Questions of Identity, Citizenship, and Patriotism," *Middle East Journal*, vol. 64, no. 4.
12. Science and Technology in Israel-Wikipedia, the free encyclopedia. htm
13. Science Diplomacy as a Bridge to Peace in the Middle East. htm
14. Steiner, Barry (2004), "Diplomacy and International Theory," *Review of International Studies*, vol. 30, no. 4, [www. jstor. org/stable/20097934](http://www. jstor. org/stable/20097934)
15. The Middle East Regional Cooperation Program \_ Science & Diplomacy. htm
16. [www. sciencediplomacy. org/Academic Tribes and Transboundary Water Management](http://www. sciencediplomacy. org/Academic Tribes and Transboundary Water Management), june 2013.